

این مقاله را یکی از جوانان با اطلاع و مسلمان که از کشور-  
های انگلستان و فرانسه و بلژیک و بعضی دیگر از کشورهای  
اروپایی دیدن نموده ، و اکنون هم در یکی از شهرهای آلمان  
غربی مشغول ادامه تحصیلات مالیه است ، برای ما ارسال داشته  
است ؛ و دنبال آن در فاصله های مختلفی درج خواهد شد .

منظور از این مقاله شناسایی و ماهیت واقعی تمدن غرب ، طبق  
مدار که و اسناد زنده و غیر قابل انکار است ماعوم خوانندگان  
گرامی مخصوصاً آنهایی را که خوشبینی افراطی نسبت به تمدن  
فعلی غرب دارند به مطالعه دقیق این سلسله مقالات که با نگاه  
مفاهدات و تمامه های نزدیکه با تمدن غرب تهیه شده دعوت  
مینمایم .

نوشته . ج . ۱ از آلمان

مقاله وارده

## ماهیت واقعی تمدن غرب!

دیرزمانیست که ملل شرقی بنوان اینکه تمدن غریبها در شئون مختلف زندگی ترقیات  
زیادی کرده ، خود را عقب افتاده خوانده ، و از داشتن يك زندگی مرفه محروم میدانند ،  
بسیاری از سرزمینهای شرقی مستعمره غریبها شدند و بقیه این ممالک هم که حکومت آزاد  
داشتند در اثر برسمت شناختن تمدن جدید غریبها و راه دادن نفوذ این تمدن جدید در  
ممالک خود ؛ و در نتیجه تقلید بدون قید و شرط از آنها ؛ در حالتی معلق باقی ماندند ، یعنی  
نه شیوه و طرز زندگی قدیم خود را دنبال کردند و نه در تقلید کور کورانه پیای غریبها رسیدند ،  
در پایان آنچه خود داشتند از دست دادند و آنها را هم دیگران داشتند و امم از خوب باید و  
توانستند بدست بیاورند .

مقصود ما شرح گذشته و ملل این مقب افتادگی (که بیشتر جنبه اصطلاحی دارد) و چطور شد که غربیها از موقعیت‌های تاریخی و سیاسی گذشته استفاده کرده حتی الامکان شرقیها را با سارت کشفند، نیست. چون در آن صورت بایست تکرار نوشته‌های تاریخ را بنمائیم و آنهم بقدر کافی در کتب تاریخ ملل شرق و غرب نوشته شده که مثلاً چطور غربیها ره‌وز پیشرفت را از شرقیها آموخته و بچه نحو توانستند از این ره‌وز بهره کافی ببرند و بعد چطور با همان حربۀ پیش افتادگی بر شرقیها کوفتند، و چرا حالا هم پس از قرن‌ها حاضر نیستند پلاس خود را جمع کرده و شرقیهای با اصطلاح مقب افتاده و بی تمدن را بحال خود بگذارند.

مقصود ما شرح این ماجراهای تاریخ نیست بلکه در ضمن این بحث میخواهیم واقعا چشمان بصیرت را باز کرده و در این تمدن جدید غرب موشکافی کنیم، ببینیم آیا واقعا این دسته از مردم جهان در شئون مختلف زندگی تکامل و پیشرفت کرده‌اند یا اینکه این پیشرفت‌ها غیر از جوانب مادی و اقتصادی آن؛ تمام پوچ و بیش از یک طبل تو خالی چیز دیگری نیست بهترین راه برای درک این موضوع دقت و تشریح در موارد مختلف زندگی روزمره آنهاست که آنان بجهت‌های مختلف بدان می‌بالند و اغلب این تفاوت طرز زندگی را بهترین دلیل برای تمدن و پیشرفت خود می‌دانند.

امروز دیگر دوره خواب و بردگی مردم جهان بسر رسیده دیگر هیچ ملت‌ی حاضر نیست خود را مستمره دیگری بداند؛ دیگر ماهیت این متمدنان آشکار شده و از گوشه و کنار در تمام کشورهای با اصطلاح آنها عقب افتاده بالاخص در کشورهای شرقی نویسندگان و مطبوعات دلسوز و واقعی مدت مدیدی است که بر ضد این تمدن ساختگی غربیها قدم‌ها برداشته اند و از هر موقعیتی برای شناساندن ماهیت تمدن غرب، بملتان، حداکثر استفاده را می‌نمایند و با سدا دلیل و برهان مستند سروری و آقائی ملل غرب را مطرود و محکوم مینمایند، آنها که خود را رسوا می‌بینند به تکاپوی عجیب و غریبی افتاده‌اند و میخواهند بهر نحوی شده جسد بیجان سروری و متمدن تر بودن خود را راست نگه دارند؛ کتابها می‌نویسند کنفرانس‌ها ترتیب می‌دهند، فیلم‌ها تهیه می‌کنند، و پادها طرق دیگر از قبیل مطبوعات سینماها، تلویزیون؛ رادیو، جلسات سخنرانی، و غیره دست به تبلیغات دامنه داری زده و می‌زنند و هرچه ملل شرقی را بهتر در راه ترقی و هویشاری می‌بینند بیشتر بفعالیت‌ها و تبلیغات شوم خود دامنه می‌دهند؛ و با این وسائل روحیه جوانان و مردم خود را نسبت

بشرقیها طوری بار میآوردند که آنها حسن سروری تصنی و تمدن تر بودن اصطلاحی خود را فراموش ننموده ، و با شرقیها همیشه پدیده حقارت بنگرند .

عامداران عیسویان و استادان مردم شناس غربی که یافته اند دین اسلام تنها سد راه اجرای نیات شوم آنها در شرق است چاره ای جز این ندیده اند که بتأوین فریبنده ، مقاصد شوم خود را بکرسی نشانده و با مبارزه منفی و سرد مستقیماً بر ضد دین اسلام تبلیغات نمایند . اینک بد نیست برای نمونه چند مرحله از این نوع تبلیغات دروغ و شوم آنها را بررسی نمائیم : مثلاً چندی قبل جلسه بزرگی در باره دین اسلام دیدم که در اعلان مربوط باین جلسه سخنرانی نوشته بود : « بحث دراجع به دین آسمانی اسلام ، ا . . . . بعد در جلسه ، ناطق شروع به سخن کرده گفت : ما مردم جهان همه برادریم در قدیم شرقیها دارای تمدن بودند ... بعد که سخنان ناروای خود را درباره دین اسلام گفت در پایان نطق خود ادامه داد که . . . : امروز ما غربیها علمدار تمدن جدید هستیم . . . . ما باید با شرقیها مثل برگهای دو درخت بهم نزدیک شده و با سایه مشترک خود همکاری نموده برادر وار مشکلات خود را از میان برداریم .

در جلسه سخنرانی دیگری « راجع بتاریخ دین مبین اسلام ، که چندی پیش شرکت کرده بودم ناطق که با اصطلاح دکتر در رشته علوم دینی بود ، در طول دو ساعت شرح ماجراهای عجیب و غریب درباره دین اسلام ؛ نکاتی را به حضار عرضه داشت که بقول معروف در دکان هیچ عطاری یافت نمی گردید .

مثلاً : از حضرت علی (ع) که خواست صحبت کنند فقط گفت که اوداماد پینمبر اسلام بود و پس از پینمبر بازنش عایشه جنگه کرد ؛ از کارهای دیگر او اینکه در جنگ با ایران آن روز اصرار قالی بسیار بزرگی را با خود جزء غنایم جنگی بمرستان آوردند و چون جایی نداشتند که آن قالی گران قیمت را بیا نندازند علی دستور داد تا آن قالی گران قیمت را به تکه - های بی شمار تقسیم کردند تا بهر کسی يك تکه پاره شده برسد ا ( حضار جلسه که اغلب آماده برای تمسخر بودند بمحض شنیدن این جملات با صدای بلند شروع بخنده کردند ا ) یا اینکه ناطق درباره خلفای پس از اسلام صحبت کرده گفت : آنها انقلاب دور هم نشسته و شراییکه قرآن حرام کرده بود از خمره می نوشیدند ا بعد گفت : مسلمانان اخیراً کمی سونی ترتیب داده اند تا بعضی از قوانین خود را مدرن کنند از جمله آنکه قبلاً قدغن بود که قرآن بزبانهای دیگر ترجمه شود یا یک غیر مسلمان آنرا دست بزند ولی امروزه این اجازه را داده اند ا . . . .

یا للعجب این چه کیسیونی است که ما مسلمانها ازان بی اطلاعیم ؟ آیا غیر از پیشوای بزرگ مسلمانان آنها فقط در قوانین فرعی اسلام کسی دیگر حق فتوی دادن را دارد ؟ آیا اصلاً آن قالی بزرگ را در موقع جنگه با ایران به عربستان آوردند که حضرت علی (ع) دستور پاره کردن آنرا بدهد ؟ یا بر فرض بودن چنین چیزی حتماً بواسطه سنگینی و امکان نداشتن حمل آن بر بستان مجبور شدند آنرا قطعه قطعه کنند ؟ آیا کارهای امیره و منان فقط در وقت جنگه با مایسه بود ؟ و گذشته ازان مایسه که بود ؟ و اگر کسی اصلاً اطلاعی در باره مایسه نداشته باشد فقط بشنود که اوزن پیشمبر بود و پس از پیشمبر علی با او جنگید چطور در باره علی (ع) فکر میکند ؟ منکه تنها خارجی در این جلسه سخنرانی بودم چند بنار بگفته های ناطق اعتراض کردم ، و او هم ناچار تاحدی سخن خود را تغییر داد ، اما چه سود بالاخره فلسفه بافیهای خود را کرد .

پس از پایان سخنرانی پیش اورفتم و راجع بموضوعات مختلف از جمله در اطراف رانی سلطان محمود غزنوی و فردوسی که حرفهای ساختگی زده بود با او صحبت کردم ، چون او فقط برای بدنامی و طعنه زدن بدین اسلام گفته بود : فردوسی بایک خلیفه مسلمانها قرار گذاشت که شعر بگوید و پول بگیرد بعد که شعرها را گفت خلیفه مسلمانها مثل سایر خلفای اسلام که مخالف هنر و ادبیات بودند ؛ با شماره او توجهی نکرده ؛ پول شعرهای فردوسی را نداد قسمیکه او از گرسنگی مرد .

در صورتیکه خود این آقای دکتر سخنران دو باره شخصاً بمن گفت : فردوسی بیا سلطان محمود غزنوی این قرارداد را بسته بود ، و ربطی به خلیفه نداشته است ؛ بعد که بیشتر با او صحبت کردم دیدم بله این آقا تمام حقایق را در کتب خوانده ولی برای تخریب روحیه مردم دست با این مهمل بافیها زده . . .

یا مثلاً چندی قبل یک فیلم علمی از مردم افغانستان نشان دادند که البته از جاهای بسیار معروفه آن بود پیرمردی که خیلی کثیف می نمود بایک آفتاب آگل آلود رو بروی چند پره و گوسفند نشسته بایک طرز مخصوص میخواست وضو بگیرد و یکی از پره ها دائم میآمد و پوزه اش را بدست او میزد و او پره را در دست میکرد و دوباره از سر می گرفت مردم با دیدن این منظره بطور مسخره میخندیدند ، گوینده فیلم می گفت که او مشغول وضو برای نماز است ؛ و بعد می گفت ؛ وضو چیست ؟ و چرا او همه اش را از سر میگیرد ؟ آیا نمونه عبادت مسلمانان قط همین است که سر وضو با گوسفند دعوا میکنند ؟ و آیا اصلاً وضو گرفتن پتهائی خنده دارد ؟ اگر منظور آنها فناختن مسلمانان است چرا از مساجد عظیم مسلمانان در شهرهای بزرگ اسلامی نشان

نمی‌دهند؟ غیر از آنستکه میخواهند با نشان دادن این قبیل مناظر، روحیه مردم اروپا را نسبت به مسلمانان تخریب نمایند؟ ...

یاقلم علمی دیگری؛ که از همان افغانستان و نیز پاکستان بود دسته‌های سینه زن و زنجیر زن و قه‌زمن را که اغلب لخت در معا بر عمومی عزاداری می‌کردند نشان داده و بعد شرح آنها را میداد که اینها برای یکی از نوادگان محمد (ص) که گفته شده یاد بود و عزاداری می‌نمایند، تماشا کنندگان فیلم‌های طرز قه‌زمن و سینه‌زدن و خود را در کوجه و خیا بان مجروح کردن با تمسخر می‌خندیدند.

آیا عزاداری بی‌ریا و حقیقی شیعیان خنده‌دار؟ یا اصولاً این طرز قه‌زمن و زنجیر زدن با بدنه‌های نیمه‌مریان آنها در معا بر عمومی و در مقابل چشمهای نامحرم در دین اسلام اجازه داده شده بطوریکه خبرنگاران سودجو آنرا آلت دست قرار بدهند!

یا اینکه در مجله کثیرالانتشاری خواندم که نویسنده نوشته بود زنها مجاز نیستند در شهرهای کشورهای اسلامی تنها بپخیابان بروند چون همه آنها را اذیت کرده و جوانها ایشانرا نیشگون میگیرند؛ و هرزنیکه برای خرید و غیره در اینکشور ها تنها بگردش رود بعد که خانه می‌آید تنش پر از لکه‌های کبود جای نیشگونهای مایه‌بین است! ... و بعد نویسنده نوشته بود که در بیروت پایتخت لبنان که يك کشور اسلامی است يك زن خبرنگار غربی ابتکاری به خرج داد بدین معنی که از داخل پیراهن و لباسش سنجاقهای بیشماری فرو کرده بود بطوریکه سر تیز سنجاقها بطرف خارج بود، بعد شبها تنها بگردش میرفت، مرد یا جوانیکه دست باو میبرد با داد و فریاد دوباره دست خود را میکشید! بعد نویسنده نوشته بود که فکر میکنم این موضوع یعنی «دست به پشت زنان زدن و نیشگون گرفتن» يك مبدء اسلامی داشته باشد چون من آنها در تمام کشورهای اسلامی از اندونزی تا قلب افریقا همه جا دیده‌ام!

آیا شما خواننده عزیزیکه در يك کشور اسلامی بسر می‌برید و مقصود خبرنگار مزبور هم بیشتر ایران بود اصلاً چنین چیزی را در کشور خود ملاحظه می‌نمایید؟ منظور از این تهمت‌های ناجوانمردانه چیست؟ یا اینکه همین نویسنده در پایان نوشته بود اصولاً تمام کشورهای اسلامی در قرون گذشته بسر می‌برند بنا بر این تنها عدم پیشرفت آنها در مراحل مختلف زندگی بایستی در دین آنها جستجو کرد و بعد برای اثبات حرف خود نوشته بود مثلاً در آسیا ژاپنها که مسلمان نیستند پای پای غربیها پیشرفت کرده‌اند؛

بایست باو گفت ای آقای خبرنگار! چرا مثلاً کشور یونان که در اروپا قرار گرفته

مردمش مسلمان نیستند از اغلب کشورهای اسلامی عقب افتاده تر است ؟ چرا اغلب مردم در جنوب ایتالیا که پاپ در آن کشور حکمرانی می کند با فقر و بدبختی دست بگریبان بوده و از تمام مزایای تمدن اروپائی بی بهره هستند به سیمیکه اغلب بکشور های مجاور رفته در راهها و ساختمانها عملکی می نمایند . آیا کشورهای آسیائی غیر مسلمان همه مثل ژاپن هستند یا اغلب آنها از تمام کشورهای اسلامی بیشتر در فقر و تنگدستی می باشند ؟

خوانندگان گرامی توجه میفرمایند که چگونه مشتی تبلیغات چی در کشورهای مختلف اروپا دروغ و هذیانهای ساخته خود را بمانسبت داده و باین وسائل دین و عفت و ملیت ما را به باد مسخره گرفته اند هر موضوع و مطلبی که بتواند توجه سایرین را بیشتر جلب کند تقریباً اغلب دستگاہهای تبلیغاتی کشورهای غربی سر آن موضوع و موضوعات شبیه بآن رقابت بخرج داد . و آنرا ساخته و پرداخته نموده بطرز بسیار جالبی بخورد خوانندگان یاشنوندگان خود می دهند ، و اگر صدها تهمت هم نسبت بسایرین باشد برای ایشان مهم نیست ؛ مهم آنستکه آنها بمقصود خود یعنی حقارت سایرین و مخصوصاً شرقیها و جالب بودن موضوعات تبلیغاتی خود رسیده اند ، والا چرا بما انتقاد نمی گیرند که فرضاً ما کارخانه کافی نداریم یا صنایع مورد لزوم زندگی ما پیش پا افتاده است ، و یا در ممالک ما برنامه های اقتصادی ، راهسازی و اصول آموزش و پرورش اجباری و امثال آن ترقی و تکامل کافی نکرده است ؛ خیلی واضح است اگر ما این ترقیات را هم بقدر کافی بنمائیم دیگر بآنها احتیاجی نداریم . و علاوه بر آنکه بر تری مادی و صنعتی آنها هم از بین می رود بواسطه داشتن ثروت های خدادادی ؛ آنها همیشه بما محتاج خواهند بود . اینستکه نمی خواهند خود را بدان روز ببینند و لاجرم از عقب افتادگی صنعت و اقتصاد ما هم صحبت نمی کنند بلکه حتی الامکان از پیشرفت آنها جلوگیری می نمایند ...

باری ما نمی خواهیم بیش از این در باره نوع تبلیغاتی که آنها در اطراف ما می نمایند سخن بگویم \* شرح این هجران و این خون جگر - این زمان بگذار تا وقت دیگر . . . موضوع مطلب ما ؛ ماهیت واقعی تمدن غرب بود ، می خواهیم واقه اقدام در داخل این بهشت تکامل یافته غرب گذاشته و ببینیم این مردمیکه خود را متمدن و متجدد میدانند چرا در بیشتر شئون زندگی از جمله در آداب معاشرت حقیقی و شروط اولیه انسانی از عفت و ناموس ، از حس نوع پروری و دوستی متقابل و واقعی و صدها امثال اینها بی خبرند ؛ اگر آنها بواسطه علل طبیعی و کشمکشهای تاریخی و سیاسی قرون اخیر در مادیت ، اقتصاد و صنعت تاحدی پیشرفت کرده اند چه دلیلی یافت میشود که آنها در ممنویت ، انسانیت ؛ اخلاق و روحانیت هم پیشرفت کرده

باشند ؟ چه بسا که در این راه راه قهقرائی می پیمایند ، و ما مردم شرق بالاخص نیابستی اجازه دهیم تا مثنی خبرنگار و عوامل تبلیغات تجارتمی و گردانندگان انجمن های تبلیغات آنها عفت و روحانیت و دین و ملیت ما را مورد سوءاستفاده تبلیغاتی قرار داده د آنرا بیاد مسخره بگیرند .

ما هم باید دستگامهای تبلیغاتی کافی در تمام نقاط جهان داشته باشیم و از راه حق و حقیقت دست به تبلیغات دامنه دار در راه دین مبین اسلام و حفظ عظمت و آبروی خود زده و قدم بقدم با این مناسر سودجو و دروغگو ، مبارزه نمائیم ، ما پابستی بدانیم وقتی مردم دنیا حقیقتاً بحقیقت اسلام و مسلمانان پی ببرند در طریق فکر و برخورد خود با مسلمانان کاملاً تغییر روش خواهند داد و در آن صورت البته دیگر عوامل تبلیغاتی بیگانه هم نمی توانند تمام مقدمات ما را پیاپی گرفته و آنرا آلت هوجی گری و استهزاء قرار دهند ؛ برای این منظور غیر از توسعه تبلیغات اسلامی خود در تمام نقاط دنیا و پیشرفت واقعی در اقتصاد و صنایع امروزی و نیز آموزش و پرورش صحیح پابستی همچنین خود را خوب بمردم دیگر شناسانده و در مقابل مردم دیگر از جمله غربیها و ادعاهای آنها از جمله ماهیت واقعی تمدن ، آنها را موشکافی نموده ببینیم آیا غیر از جوانب صنعتی و اقتصادی ، آیا این مردم واقماً از ما متمدن تر هستند یا خیر ؟

بخواست خدا درد نبأله این نوشته قدم در ماهیت واقعی تمدن غرب خواهیم گزارد .

(بقیه از صفحه ۴۶)

اصلاحی خالی از رنج و مشقت نبود ، از این لحاظ غوغای زندگی مکیان ؛ و عیاشی و قریش ، رامیدید ، و در نحوه اصلاح آنان در فکر فرو میگرفت .

از عبادت کردن و خضوع مردم در برابر بتان بی روح و بی اراده ؛ انگشت تعجب بدانان میگرفت و آثار ناراحتی در چهره او نمایان بود ؛ ولی از آنجا که ما مور با بلاغ نبود ، از گفتن حقایق خودداری میفرمود تا آنروزیکه جبرئیل او را از طرف خدا ، با خطاب : **اقرأ باسم ربك الذی خلق . . . . مخاطب ساخت . . .**